

آداب معاشرت همسران در قرآن کریم و روایات

زندگی شیرین می شود

قرآن کریم به خانواده اهمیت بسیاری داده است. بنیاد جامعه قرآنی بر خانواده و نقش آن نهاده شده است. از این رو، به خانواده به عنوان مرکز توجه احکام، حقوق و آداب اهتمام ویژه ای مبذول داشته و نقش و جایگاه آن را با گزاره ها، آموزه ها و دستورهای متعدد تحکیم بخشیده است.

خانواده از ارکان سه گانه مرد، زن و فرزند تشکیل شده و به زن به جهاتی نظری خاص و ویژه شده تا جایگاه و نقش واقعی خود را در این شاکله به خوبی پیدا کند؛ به همین دلیل قرآن کریم آیاتی را به مسائل زن اختصاص داده و از بیان کوچک ترین چیز خودداری نورزیده است، یکی از مسائلی که مورد توجه قرآن کریم است آداب معاشرت با همسر و زن است. جمله کوتاه اما گویای: «و عاشروهن بالمعروف» (نساء ۱۹) بیان گر این مطلب است که هر گونه ارتباط، برخورد و رفتار شوهر باید به گونه ای باشد که عرف و شرع و رفتار جوانمردانه با آن موافق باشد. پس اعمالی چون سخت گیری در نفقه، آزار و اذیت یا بدخلقی و مانند آنها، مخالف با معاشرت به معروفی است که قرآن کریم بدان سفارش نموده است.

گفته شده که معاشرت به معروف به معنای رفتار و اعمالی است که خداوند بدان امر کرده است؛ و نیز مراد از معاشرت به معروف، ادا کردن حقوق زن، چون قسم، نفقه و داشتن رفتار و گفتاری مناسب با اوست.

معاشرت به معروف از یک سو باعث دوام و قوام یافتن زندگی مشترک و شیرین شدن آن، برای هر یک از زن و شوهر خواهد شد. از سوی دیگر موجب شکوفا شدن استعدادهای زن مسلمان می شود و عاملی برای پیشرفت او در زندگی می گردد.

معاشرت به معروف مصادیق فراوانی دارد و شامل بسیاری از امور اخلاقی می گردد که در این جا مجال بحث در مورد همه آنها نیست و تنها به برخی از مصادیق مهم اشاره شده و توضیح مختصری در رابطه با آن داده خواهد شد.

حسن خلق

حسن خلق صفتی پسندیده و نیکو است که اسلام بسیار به آن سفارش نموده است، تا آن جا که در روایات، حسن خلق به عنوان اولین، سنگین ترین، بهترین و با ارزش ترین چیزی بیان شده است که در روز قیامت مورد محاسبه قرار می گیرد: «قال رسول الله (ص): اول ما یوضع فی المیزان العبد یوم القیامه حسن خلقه ما من شیء اثقل من المیزان من خلق حسن ما من شیء فی المیزان احسن فی حسن الخلق، ما یوضع فی میزان امرء یوم القیامه أفضل من حسن الخلق؛

معنای حسن خلق خنده رو بودن و گشاده رو بودن نیست، اگر چه این رفتارها را نیز شامل می شود؛ بلکه معنای فراتر از خنده رویی دارد. «حسن خلق به معنای تحمل و سعه صدر است؛ حسن خلق به معنای رها نکردن حق و ترک باطل است».

حسن خلق در روابط خانوادگی و خصوصاً بین زوجین جایگاه ویژه ای دارد؛ تا آن جا که بر سایر اعمال انسان نیز تأثیر می گذارد. در این مورد روایتی از پیامبر اکرم(ص) نقل شده است که ذکر آن، باعث روشن شدن اهمیت خلق و خوی نیک در خانواده خواهد شد.

به پیامبر(ص) خبر دادند که سعدبن معاذ درگذشت. با شنیدن این خبر پیامبر(ص) با اصحاب خویش به خانه سعد رفتند. پیامبر(ص) به چار چوب در خانه تکیه داده بود. دستور داد که او را غسل دهند. چون او را خوشبو ساختند و کفن کردند و بر تابوت نهادند؛ پیامبر(ص) با پای برهنه و بدون عبا در پی جنازه روان گشت، گاه از راست جنازه را می گرفت و گاه از چپ. تا جنازه به گورستان رسید. پیامبر(ص) نزدیک قبر آمد و خود سنگ بر آن نهاد و آجر بر آن چید؛ (در هنگام ساختن گور) پیایی می گفت: آجر بدهید، گل بدهید و با گل ها (که در میان آجرها می نهاد) آجرها را محکم می کرد. چون (کار ساختن گور) پایان یافت و خاک بر آن پاشید و قبر را هموار ساخت؛ فرمود: می دانم که این گور فرسوده می گردد و می پوسد؛ لیکن خداوند بنده ای را دوست دارد که چون کاری انجام دهد، آن را درست و استوار به انجام برساند. زمانی که خاک روی قبر را صاف کرد، مادر سعد گفت: سعد! بهشت گوارایت باد. پیامبر(ص) گفت: مادر سعد ساکت باش، درباره کار خدا این گونه، حتمی میندیش؛ زیرا که گور، سعد را بفشرد. سپس پیامبر(ص) بازگشت و مردم نیز بازگشتند (در راه بازگشت)، به پیامبر(ص) گفتند: یا رسول الله دیدیم که با سعد رفتاری کردی که با هیچ کس نکردی، تشییع کردی در حالی که پا برهنه بودی و عبا بر دوش نداشتی؛ رسول خدا(ص) فرمود: ملائکه هم پا برهنه و بدون عبا بودند، و من به آنها تأسی کردم. گفتند: یک بار طرف راست جنازه را می گرفتی و یکبار طرف چپ آن را. پیامبر(ص) فرمود: دست من در دست جبرئیل بود؛ من آن جایی را می گرفتم که او می گفت. گفتند: به غسل او فرمان دادی و بر جنازه اش نماز گزاردی و او را در گور نهادی! سپس فرمودی که قبر او را بفشرد پیامبر(ص) فرمود: آری (چنین است که گفتم)؛ زیرا که سعد با خانواده اش بد اخلاق بود.

از نوع برخورد پیامبر(ص) با سعد به خوبی روشن می شود که سعدبن معاذ، فردی درستکار و با ایمان بوده و نیز فرمان بردار و تابع قوانین الهی؛ مسلماً حق و حقوق زن را رعایت می کرد؛ که اگر چنین نمی بود پیامبر نیز با او این گونه با احترام رفتار نمی کرد. پس این همه احترام پیامبر نسبت به او به دلیل این است که او فردی بوده که حقوق افراد و خانواده و جامعه را کاملاً رعایت می کرده و در این مورد هیچ گونه ظلمی بر کسی روا نمی داشته است؛ اما پیامبر مطلبی بالاتر از حق و حقوق زن و شوهری را مطرح می کند و آن رعایت اصول و ارزش های اخلاقی است که حسن خلق یکی از این موارد است و لزوم وجود آن در خانواده مورد تأکید است.

اکرام و احترام به زن

اسلام دو جنس زن و مرد را در گوهر انسانی و شرافت، یکی می داند و از این لحاظ تفاوتی بین ایشان قائل نیست. قرآن کریم تمام انسان ها را بدون در نظر گرفتن جنسیت و نژاد و ... دارای کرامت می داند «ولقد کرمنا بنی آدم» اشاره به این اصل مهم و اساسی است، اما در این میان، اکرام و احترام نسبت به زن جایگاه خاص و ممتازی دارد. پیامبر اکرم(ص) در این مورد فرموده اند: «ما اکرم النساء الا کریم ولا اهانهن الا لئیم؛ جز کسی که بهره ای از کرامت برده باشد، زنان را احترام و اکرام نمی کند و به زنان، اهانت نمی کند مگر انسان پست.» و نیز امام صادق(ع) به نقل از پدر بزرگوارشان می فرمایند: «من اتخذ امرأه فلیکرمها فانما المرأه لعبه فمن اتخذها فلا یضیعها؛ هر کس زنی بگیرد، باید احترامش کند. زن شما لعبت و دلبر است؛ هر کسی لعبتی به دست آورد، نباید آن را ضایع سازد.»

از دیدگاه اسلام، زن میهمان محترمی است، که اکرام و احترام نسبت به او لازم و ضروری است. چه زمانی که او دختری در خانه پدر است و چه زمانی که همسری در کنار شوهر و یا مادری مهربان برای فرزندان باشد؛ در همه حالات فوق توصیه های فراوانی در روایات یافت می شود که دلیل بر لزوم احترام و اکرام نسبت به اوست.

در حدیث دیگری وارد شده که پیامبر اکرم(ص) فرمودند:

«الاخیر کم خیر کم لنسائه و انا خیر کم لنسائی؛ بهترین شما مردی است که با زنش خوش رفتارتر باشد و من از همه شما نسبت به زنانم خوش رفتارترم.»

در حقیقت سیره عملی نبی مکرم اسلام(ص) نیز به خوبی نشان می دهد که ایشان در نهایت احترام با زنان، خصوصاً دختر گرامیشان حضرت فاطمه(س) و همسرانشان، رفتار می کردند. که رفتار و گفتار ایشان در حقیقت ترسیم کننده نگاه اسلام به زن است، که زن را از موجودی پست و فاقد روح انسانی در عصر جاهلیت به انسانی صاحب کرامت، تبدیل کرد.

محبت و اظهار آن

اصل مهر و محبت و علاقه همسران نسبت به هم را خداوند متعال، در وجود زوجین قرار داده است. این محبت و علاقه با شروع زندگی مشترک تولد می یابد و با ادامه زندگی، استحکام پیدا می کند و تثبیت می شود.

امام صادق(ع) در رابطه با اهمیت محبت به زن می فرماید:

"من اخلاق الأنبیاء حب النساء؛ از اخلاق پیامبران دوست داشتن زنان است."

و نیز در جایی دیگر فرمودند: "کل من اشتدنا حبا اشتد للنساء حبا...؛ هر کس ما را بیشتر دوست بدارد، زنان را بیشتر دوست خواهد داشت."

البته بدیهی است که مهر و محبتی این چنین دارای ارزش است که در مسیر الهی و مطابق با دستورات شرع باشد و گرنه، چه بسا مهر و محبتی که هیچ ثمره معنوی نداشته باشد و حتی باعث سقوط فرد به ورطه نابودی شود.

در فرهنگ غنی اسلام اظهار محبت، یکی از لوازم دوست داشتن است. اما در روابط بین زوجین که مظهر کامل عشق و علاقه است، این اظهار محبت، جایگاه ویژه ای دارد تا آن جا که پیامبر اکرم (ص) فرموده اند: "قول الرجل للمراه انی احبک لایذهب من قلبها ابدا؛ گفتار مرد به همسرش: همانا من تو را دوست دارم، هرگز از قلب همسرش محو نمی گردد".

قوانین و توصیه های اسلام براساس فطرت و خصوصیات کلی انسان ها است. این حدیث، با توجه به خصوصیات خاص زن که دارای احساسات و عاطفی بیش از مرد است، توصیه به اظهار محبت مرد نسبت به همسرش می نماید؛ چرا که زن از نظر روحی، نیاز به دوست داشتن و محبوب بودن دارد، و با این جمله همسر، نیاز روحی و روانی او تأمین و به زندگی دلگرم می شود؛ و می تواند همسری مهربان برای شوهر و مادری دلسوز و با عاطفه برای فرزندان باشد.

پوشاندن عیوب همسر

زن و مرد در ارتباط و معاشرت با هم باید عیوب یکدیگر را پوشانند و یکدیگر را از گناه و خطا و اشتباه حفظ نمایند. چنان که قرآن کریم در این رابطه می فرماید: «هن لباس لکم و انتم لباس لهن...» از آن جا که لباس انسان را می پوشاند و حفظ می کند، زن و مرد به لباس تشبیه شده اند. یعنی زن و مرد، هر یک طرف مقابل را از رفتن به دنبال فسق و فجور و اشاعه دادن آن در بین دیگران، حفظ می کنند.

در تشبیه همسر به لباس نکات جالبی وجود دارد: به عنوان مثال، لباس متناسب با فصل و زمان تغییر پیدا می کند، پس هر یک از دو همسر باید اخلاق و رفتار خود را متناسب با نیاز روحی و روانی همسر خود تنظیم نماید و یا این که لباس باید در رنگ، دوخت و جنس مناسب شأن انسان باشد، و یا این که لباس هم موجب حفظ بدن است و هم زینت به حساب می آید و انسان همیشه به آن نیازمند می باشد. البته بین انسان و لباس رابطه ای متقابل وجود دارد. همان گونه که لباس انسان را حفظ می کند در مقابل، هر فردی موظف به حفظ لباس خویش است.

پس زن و مرد باید همانند لباس هم باشند، هم یکدیگر را از خطا و اشتباه حفظ کنند و هم هر یک زینت دیگری به حساب آید و به او افتخار کند. این رابطه تنگاتنگ و متقابل، در یک تشبیه خیلی ساده و کوتاه بیان شده است و نشان دهنده ارتباط صمیمانه و پر از صدق و دوستی دو همسر نسبت به هم است.

عفو و گذشت

انسان مختار آفریده شده است و حق انتخاب دارد و ممکن است در برخی از انتخاب ها دچار اشتباه شده و از مسیر اصلی خارج گردد و این مسأله برای زن و مرد، هر دو یکسان است. به طور معمول امور مربوط به خانه، برعهده زن گذارده می شود و او باید امور خانه را مدیریت نماید؛ ممکن است در این راه دچار اشتباه شود، حتی ممکن است در برخورد و رفتار و گفتارش نسبت به همسر خویش خطا و اشتباه کند. در این مواقع بسیار سفارش شده است که مردان خطاهای همسر خویش را ببخشند و آنها را به این دلیل مورد آزار و اذیت قرار ندهند.

از امام صادق(ع) پرسیده شد:

" ما حق المراه علی زوجها الذی اذا فعله کان محسناً قال ... و ان جهلت عفو لها؛ حق زن بر شوهرش چیست که اگر مرد آن را انجام دهد نیکو کار است فرمودند... اگر زن از روی جهل خطایی کرد، مرد او را ببخشد."

عفو و گذشت تا آن جا اهمیت دارد، که قرآن کریم عفو و گذشت را از موارد احسان می داند؛ و فردی که دارای احسان باشد محبوب خداوند متعال است.

" والعافین عن الناس والله یحب المحسنین؛ و از خطای مردم در می گذرند؛ و خدا نیکو کاران را دوست دارد."

زن و مرد، هر دو در مسیر زندگی مشترک دچار اشتباه می شوند و هر یک باید با گذشت از خطاهای طرف مقابل فضای گرم و صمیمی خانواده را حفظ نماید، و از طرف دیگر با عفو و گذشت، محبوب خداوند متعال خواهند شد.

مدارا کردن

ممکن است در طول زندگی مشترک به دلیل برخی از مسائل از میزان مهر و محبت زن و شوهر نسبت به هم کاسته شود و یا ممکن است وجود برخی از خصوصیات اخلاقی در زن و یا شوهر، کدورت و دلسردی در بین ایشان ایجاد کند و زوجین تصور کنند که می توانند از طریق جدایی، زندگی بهتری را برای خود فراهم آورند؛ قرآن کریم با توجه به اهمیت لزوم حفظ نظام خانواده و نیز با توجه به این که حق طلاق در دست مردان است، خطاب به ایشان می فرماید:

" فان کرهتموهن فعیس ان تکرهواشیا ویجعل الله فیہ خیراً کثیراً؛ و اگر از آنها (به جهتی) کراهت داشتید، (فوراً تصمیم به جدایی نگیرید؛) چه بسا چیزی خوشایند شما نباشد و خداوند خیر فراوانی در آن قرار می دهد."

در این آیه به مردان توصیه شده است که نسبت به همسران خود مدارا نمایند هر چند که مورد پسند و رضای آنها نباشند و در مقابل برای کسانی که چنین رفتار نمایند، مژده «خیر کثیر» می دهد، زیرا انسان

به جهت محدودیت علم و دانش، از بسیاری از مطالب بی اطلاع است. امام علی(ع) در رابطه با مدارا کردن به مردان چنین می گوید:

"فدارها علی کل حال و احسن الصحبه لها لیصفوا عیشک؛ در هر حال با همسرت مدارا کن و با او به نیکی معاشرت نما، تا زندگی با صفا شود".

مرد باید بداند که غرائز و احساسات او با غرائز و احساسات همسرش متفاوت است و هر یک برای مقصودی خاص خلق شده اند. هر یک از زن و شوهر باید وظایف و تکالیف خود را انجام دهد و برای دیگری ایجاد مزاحمت ننماید، مرد هیچ گاه نباید از همسرش انتظار داشته باشد که مطابق او فکر کند، یا مثل او عمل کند. بلکه باید در مقابل گفتار و رفتار او مدارا پیشه کند تا زندگی برای هر دو ایشان شیرین و لذت بخش گردد.

مشورت و تبادل نظر

در قسمت های قبل بیان شد که هر یک از زن و مرد دارای خلق و خوی خاص خود هستند. و هر یک وظایف و تکالیف خاصی در خانه دارند. در برخی از مسائل که، ارتباط زیادی با زن دارد و تصمیم گیری مرد به تنهایی، نمی تواند، کاملاً صحیح و بی عیب و نقص باشد، مشورت و تبادل نظر، بهترین راه برای رسیدن به نتیجه مطلوب می باشد.

در قرآن کریم نمونه ای از مشورت بین همسران بیان گردیده است:

" فان ارادا فصلاً عن تراض منهما و تشاور فلا جناح علیهما و ان اردتم ان تسترضعوا اولادکم فلا جناح علیکم اذا سلتم ماعائتیم بالمعروف؛ پس هر گاه والدین خواستند با رضایت و مشورت، فرزند خود را از شیر بگیرند، این کار ایرادی ندارد و اگر خواستید برای فرزندان دایه بگیرید، در صورتی که حقوقی به حد متعارف به او دهید، اشکالی ندارد".

در جایی دیگر قرآن کریم با تعبیر دیگری به زوجین توصیه می کند که با هم مشورت نمایند:

" وأتمروا بینکم بمعروف و ان تعاسرتم فسترضع له اخی؛ و (درباره فرزندان، کار را) با مشاوره شایسته انجام دهید؛ و اگر به توافق نرسیدید زن دیگری شیر دادن آن بچه را برعهده می گیرد".

از فوائد مشورت در امور خانواده این است که طرف مقابل خود را در فکر و تصمیمی که گرفته شده سهیم می داند و دیگر احساس نمی کند که این کار بر او تحمیل شده است.

البته بدیهی است که آن چه مطلوب و مفید است، مشورت با همسر در امور مربوط به خانه و خانواده است؛ و یا اموری که زن در آن صاحب نظر است؛ و در اموری که به او ارتباطی ندارد مشورت، توصیه نمی شود. پس به وسیله مشورت با همسر، علاوه بر حل مشکلات، راه صحیح نیز انتخاب می شود و امور به احسن وجه اداره می گردد.